

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

گفت و شنود

گفتم دو چشم مست تو دلبر چه میکند
از تیر مژه ساخته خنجر چه میکند
گفتا که تیر مژه من آفت دل است
گفتم لب ت به خون دلم تر چه میکند
گفتا لبم به خون تو آلوده کی شود
گفتم ز خون دل زده ساغر، چه میکند
تو نام من به لب ز تکبر نمیبیری
یک بوسه ام که هست مقدر چه میکند
گفتا حرام باد ترا بوسه از لبم
گفتم دو ابروی تو که تیغی است آبدار
گفتم حلال هست و مقرر، چه میکند
گفتا که حیف اگر شود آلوده تیغ من
گر سر خورد بمن، بدل و سرچه میکند
گفتا رها کن آخر ازین ماجرا مرا
گفتم که حیف اسباب عشق چیست
با خون تو، بگفتمش آخر چه میکند
گفتا رها کن آخر ازین ماجرا مرا
گفتم سرم فدای تو اسباب عشق چیست
این حرف بر زبان تو دلبر چه میکند
گفتا که حرف عشق به پیرانه سر مزین
خاکسترت به باد شد، اخگر چه میکند
گفتم به اخگری که نهفته است در دلم
گردد اگر لب تو برابر چه میکند
گفتا چه تلخ ساخته ای خاطر مرا
این تلخی زبان مکرر چه میکند
گفتم اگر رها کنم آن زلف عنبرین
دل را که کرده است مسخر چه میکند
گفتا دل از تو کنده ام آزار من مکن
برگشته چشم من ز تو بنگر چه میکند

گفتم فدای چشم تو گردم اگر مرا سازد رها ز چنگ تو، دیگر چه میکند
دیدم خموش ماند ز گفت و شنود من عاقل ازین معامله بهتر چه میکند
آن سنگ دل «اسیر» اگر دشمنی کند
دنیا گذشتنی است به محشر چه میکند

(شهر بن - المان، نومبر 1999 م)